

طالبان و همسایگان



ماندا تائیشه یار

تحلیلگر مسائل بین الملل

طالبان که در گرمای امرداد ۱۴۰۰ به قدرت رسیدند، هیچکس گمان نکرد که آنها بدون پشتیبانی قدرت های منطقه ای و بین المللی قادر به فتح کابل شده اند. در آن روزها و ماه های نخست، نزدیکترین همسایه به طالبان، پاکستان به نظر می رسید. اما چندان نگذشت که پاکستان گرفتار مصایب بسیاری از سوی این همسایه تازه بر تخت نشسته شد. تنش های قومی از مناطق مرزی تا شهرهای بزرگ گسترده شدند و مهاجرانکه هر روز بر شمارشان افزوده می شد، بر دشواری های همسایگی با طالبان افزودند. همسایگان شمالی طالبان، شامل تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان، نخست بیمناک از گسترش بنیادگرایی اسلامی بودند و از هرگونه ارتباط با کابل خودداری کردند. رفته رفته و با گسترش اندیشه های تندروانه در قالب داعش خراسان، به زعم خود برای دور کردن شر، راه تعامل و گفت و گو و همکاری اقتصادی با طالبان را در پیش گرفتند، اما در این سه سال نه تنها امنیت برای آنها افزایش نیافته، بلکه اجرای پروژه های کنترل منابع آبی در افغانستان، بر نگرانی های دولت های همسایه افزوده است و بحران اقتصادی و بحران زیست محیطی نیز بر بحران ناامنی افزوده شده اند چین که کمترین مرز مشترک را با افغانستان دارد، از همان هفته های نخست رویکرد تعاملی را با طالبان آغاز کرد. رفت و آمدهای میان دو پایتخت و گفت و گو برای همکاری های اقتصادی و سرمایه گذاری در بخش معادن و گسترش ترابری و دیگر موضوعات مورد علاقه طرفین به خوبی پیش رفته اند. با اینهمه، در سه سال گذشته کدام پروژه چینی به صورت جدی در افغانستان به اجرا درآمده است؟ چرا چین امارت اسلامی را به رسمیت نشناخته است؟ آیا روابط پکن و کابل نسبت به دوره جمهورییت واقعا بهتر شده است؟ افغانستان همسایگان دور هم دارد. در جنوب شرقی هند، در شمال روسیه، در غرب ترکیه و در جنوب غربی کشورهای عربی خلیج فارس همگی جزو همسایگان دور این کشور به شمار می آیند. طالبان با هر یک از آنها در حوزه های گوناگون به گفت و گو پرداخته است. قول و قرارهایی برای سرمایه گذاری و همکاری های اقتصادی و امنیتی رد و بدل شده است، اما در این سه سال، هیچ یک از همسایگان دور و نزدیک نتوانسته اند به متحد اصلی طالبان بدل شوند، امارت اسلامی را به عنوان دولت مشروع در کابل به رسمیت بشناسند و روابط رو به گسترشی را با طالبان شکل دهند. مشکل در کجاست؟ این ایستایی در روابط منطقه ای طالبان از کجا نشات می گیرد؟ به نظر می رسد طالبان هنوز تکلیف خود با شیوه حکمرانی اش را روشن نکرده است. امارت اسلامی یک دولت موقت به شمار می رود و اصولا هنوز در کابل حکومتی بر سر کار نیامده که بتواند سازوکارهایی برای همکاری با دیگر کشورها تعریف کند. قانون اساسی پیشین کنار گذاشته شده، اما هیچ قانون تازه ای بر جای آن ننشسته است. حاکمان کنونی افغانستان سه سال است که بدون داشتن «سیاست خارجی» تنها به گسترش «روابط خارجی» خود با همسایگان و دیگر کشورها بسنده کرده اند. برای گسترش روابط اقتصادی و جلب سرمایه برای آغاز برنامه های توسعه، نیاز است که نخست «ساختار اقتصادی» یک کشور و قوانین سرمایه گذاری و تجارت آن تعیین شوند. در سه سال گذشته نه ساختار اقتصادی این کشور و نه برنامه های توسعه آن، طراحی و اجرا نشده اند و تنبیه آنکه روز به روز بر شمار مردم ندار و گرفتار افزوده شده است. حتی پیش از اجرای برنامه های اقتصادی مشترک، نیاز است که امنیت اجتماعی و سیاسی در جامعه افغانستان تامین شود. آنچه که امروز طالبان از آن با عنوان امنیت یاد می کنند، در واقع، سرکوب همه گروه ها و اقشار سیاسی و اجتماعی در این جامعه است و با اینهمه، مدام شاهد خیزش های گوناگون، از دهقانان گرفته تا زنان، در گوشه و کنار این کشور هستیم و روزی نیست که خبر از درگیری های مسلحانه در بخش های گوناگون این سرزمین نرسد. از سوی دیگر، طالبان پس از سه سال همچنان با سرسختی از پذیرش حقوق شهروندی و دینی شمار زیادی از قبیله ای که برخلاف عرف و قانون و شریعت اسلام است، امکان شناسایی از سوی جامعه جهانی را از خود سلب کرده است. با اینهمه، حاکمان کابل و قندهار آن اندازه زیرکی از خود نشان داده اند که در روابط خود با دیگر کشورها، یک الگوی ثابت را دنبال کنند. آنان در حالی که هر گونه راه گفت و گو با دیگر احزاب و گروه های سیاسی و اجتماعی افغانستانی را بسته اند و مخالفین شان را در وضعیت دشواری نگه داشته اند، در روابط همسایگی خود الگوی گفت و گو دو جانبه را دنبال می کنند. طالب به خوبی می داند که تنها از راه جلوگیری از شکل گیری هرگونه ائتلافی در سطوح داخلی، منطقه ای و بین المللی می تواند به حیات خود ادامه دهد. از این رو است که همواره دست رد به گفت و گوهای چند جانبه زده و یا با اکراه در چنین برنامه هایی شرکت کرده و به جای آن، مدام در پی گفت و گوهای دو جانبه با همسایگان دور و نزدیک و دیگر کشورهای جهان برآمده است. اما نکته اصلی اینجاست که مسائلی که همسایگان با طالبان دارند، ماهیتی جمعی دارد. مساله مهاجران، مساله آب های مرزی، مساله قاچاق مواد مخدر، مساله محیط زیست، مساله گروه های بنیادگرا، مساله امنیت و دیگر مسائل، همگی تأثیرات منطقه ای دارند و از راه گفت و گوهای دو جانبه نمی توان راه حل های جامع برای آنها یافت. از این رو است که به نظر می رسد همسایگان دور و نزدیک افغانستان هنگامی می توانند به خواسته های خود برسند که بتوانند از سازوکارهای مشترک بهره بگیرند.

غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

پزشکیان در چانه زنی بانهادهای قدرت کم آورد



ظریف نباید قهر کند و استعفا بدهد

قرار است دولت رئیسی توسط پزشکیان ادامه

پیدا کند؟

آرمان ملی - احسان انصاری: کابینه مسعود پزشکیان واکنش های زیادی از بین نخبگان و افکار عمومی جامعه به وجود آورده است. در چنین شرایطی دکتر غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی، نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی مهمان روزنامه «آرمان ملی» بود. جعفرزاده در گفت و گوی تفصیلی که با «آرمان ملی» داشت گفت: «اتفاقی که رخ داده این است که خواسته ها یا ناخواسته امروز مردم فکر می کنند همه نهادهای قدرت سهم خود را از کابینه گرفته اند جز مردم و سهم مردم از کابینه مشخص نیست. ما روز اول هم به آقای پزشکیان هشدار دادیم که راه سختی در پیش دارد

کابینه پزشکیان به چه میزان از ظرفیت های موجود برای مدیریت کشور استفاده کرده؟ آیا در واقع این کابینه در راستای وفاق ملی است؟

آقای پزشکیان از همکاران خوب ما در مجلس بود و من توفیق هشت سال همکاری را با ایشان داشتم. من معذوریت ها و محدودیت های ایشان را به عنوان رئیس جمهور قبول دارم و درک می کنم و معتقدم ایشان کار بسیار سختی در آینده خواهد داشت. از شعار ایشان درباره وفاق ملی و استفاده از همه ظرفیت ها نیز استقبال می کنیم و معتقدیم باید این اتفاق در کشور رخ بدهد. با این وجود اتفاقاتی رخ داده که من از پشت صحنه آن خبر ندارم، اما روی صحنه را که می بینم دلچسب نیست. کابینه ای که آقای پزشکیان معرفی کرده قابل دفاع نیست.

چرا کابینه را قابل دفاع نمی دانید؟

افرادی در کابینه حضور دارند که حضور آنها توجیه و منطقی ندارد. برخی افراد بدون شایستگی و تنها در یک معامله و بده و بستان سیاسی وارد کابینه شده اند. بنده که در ۱۷ شهر برای آقای پزشکیان سخنرانی کردم و جماعتی را پای کار آورده ام الان هیچ توجیهی ندارم نمی توانم از این کابینه دفاع کنم. افرادی در کابینه حضور دارند که عملکرد خوبی در گذشته نداشته اند. بدون تردید در برخی زمینه ها افراد به مراتب شایسته تری وجود داشته اند که می توانستند به جای فرد معرفی شده باشند. به عنوان مثال کسی به عنوان وزیر ورزش معرفی می شود که تنها نظاره گر مسابقه قایقرانی بوده است که صد نفر بهتر از وی در کشور وجود دارد. آموزش و پرورش رکن اصلی کشور است. چرا باید در چنین وزارتخانه مهمی فردی قرار است دولت رئیسی توسط پزشکیان ادامه پیدا کند؟ برای وزارت کشور فردی انتخاب شده که جز ۳ نفر لیست انتخابی نبوده است. از همه مهم تر افرادی در کابینه معرفی شده اند که در دوران رقابت های انتخاباتی بدترین سخنرانی ها را علیه آقای پزشکیان کرده اند.

منظور شما چه کسی است؟

فردی که به عنوان وزیر ورزش معرفی شده سخنرانی هایی علیه پزشکیان انجام می داد و تندترین موضع را در مورد آقای پزشکیان داشتند. بنده برای سخنرانی به شهر ایشان رفتم، اما اجازه سخنرانی به من ندادند و من را از کوچه و پسکوچه های اطراف از تجمع دور کردند که حاشیه ایجاد نشود. ایشان حتی اجازه نمی داد کسی پوستر آقای پزشکیان را در شهرش به دیوار بزند. سوال این است که این فرد در طول این یک ماه دچار چه تغییراتی شده که آقای پزشکیان وی را به عنوان وزیر معرفی کرده است؟ وی در توثیت ها و سخنرانی ها خود آقای پزشکیان را دولت غربگرا خطاب می کرد. ما چگونه می توانیم حضور چنین فردی را در کابینه برای مردم و کسانی که از آنها دعوت کرده ایم در انتخابات حضور پیدا کنند را توجیه کنیم؟ امروز ما شمرنده اهل تسنن و زنان جامعه هستیم. ما برای این بخش از جامعه حرف هادیم و شعارها دادیم. این سخن آقای عارف به چه معناست که عنوان می کند جامعه آمادگی رهبری زنان را ندارد. این سخن به چه معناست. چرا الان این سخنان را مطرح می کنید و نه در طول دوران انتخابات؟ آیا زنان جامعه با شنیدن این سخنان به این فکر نمی کنند که بازی خورده اند؟ مهم ترین ویژگی آقای پزشکیان صداقت ایشان است و من شهادت می دهم که فرد پاکدست و پاکدامنی است. با این وجود با این روندی که در پیش گرفته به



و پس از سال های هسته سخت قدرت در کشور شکل گرفته که در همه مسائل نفوذ دارد. توصیه ما به ایشان این بود که تمامیت خواه نباشد و از همه کسانی که می توانند گفتنم آقای پزشکیان را بیاده کنند استفاده کند. این در حالی است که افرادی که در گذشته در امتحان خود نمره قبولی نگرفته بودند در کابینه چهاردم حضور دارند و افراد شایسته و محبوب زیادی وجود داشتند که می توانستند در کابینه حضور پیدا کنند که این اتفاق رخ نداده است.» در ادامه حاصل گفت و گوی «آرمان ملی» با دکتر جعفرزاده را می خوانید.

مثال فردی که خودش کارگروه را تشکیل داد و از افراد روزمه گرفت در نهایت خودش به عنوان وزیر انتخاب شد که جای سوال زیادی دارد. این وضعیت درباره افرادی مانند آقای صالحی در وزارت ارشاد و اوحدی در سازمان بنیاد شهید اتفاق افتاد. امروز مردم به کابینه انتقاد دارند و به همین دلیل پزشکیان باید با مردم صحبت کند. افراد شایسته ای پشت در کابینه مانده اند که از شایستگی های بیشتری نسبت به افرادی که معرفی شده اند برخوردار هستند. آقای انتظامی چه مشکلی داشت که به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد معرفی نشد؟ نکته دیگر اینکه اگر رسانه به پزشکیان فشار نمی آوردند و عملکرد صحرائی را نقد نمی کردند تردید نکند که صحرائی را به عنوان وزیر آموزش و پرورش دولت چهاردم معرفی می کردند. امروز من می خواهم یک زنگ خطر را به صدا در بیاورم و عنوان کنم که آقای پزشکیان ما شما را تنها نگذاشته و در آینده نیز نخواهیم گذاشت و خواسته ای هم نداریم. تنها انتظاری که داریم این است که پشت مردم را خالی نکند.

آیا در شرایط کنونی پزشکیان پشت مردم را خالی کرده است؟

اتفاقی که رخ داده این است که خواسته یا ناخواسته امروز مردم فکر می کنند همه نهادها سهم خود را از کابینه گرفتند جز مردم و سهم مردم از کابینه مشخص نیست. ما روز اول هم به آقای پزشکیان هشدار دادیم که راه سختی در پیش دارد و پس از سال یک هسته سخت قدرت در کشور شکل گرفته که در همه مسائل نفوذ دارند توصیه ما به ایشان این بود که تمامیت خواه نباشد و از همه کسانی که می توانند گفتنم آقای پزشکیان را بیاده کنند استفاده کند. این در حالی است که افرادی که در گذشته در امتحان خود نمره قبولی نگرفته بودند در کابینه چهاردم حضور دارند و افراد شایسته و محبوب زیادی وجود داشتند که می توانستند در کابینه حضور پیدا کنند که این اتفاق رخ نداده است. آیا آقای خادم برای وزارت ورزش مناسب نبود و چرا در حالی که مردم ایشان را دوست دارند آقای پزشکیان از ایشان در کابینه خود استفاده نکرد. سوال مهم این است که چرا افرادی که مردم آنها را دوست داشتند در کابینه حضور ندارند و فردی که با ۸ هزار رأی وارد مجلس شده به عنوان وزیر معرفی شده است؟ ما نباید در حالی که تنها راه علاج کشور از انتخابات می گذرد نباید کاری کنیم که انتخابات ۱۴۰۳ آخرین انتخاباتی باشد که مردم در آن شرکت می کنند.

پزشکیان در مواجهه با نهادهای قدرت باید چه رویکردی در پیش می گرفت تا می توانست کابینه مورد نظر خود را معرفی کند؟

کابینه معرفی شده نشان می دهد که آقای پزشکیان در چانه زنی با نهادهای قدرت کم آورده است. پزشکیان باید افراد مورد نظر خود را به مجلس معرفی می کرد و اگر نمایندگان رأی اعتماد نمی دادند دوباره افراد دیگری را معرفی می کرد. در این بین افکار عمومی نیز به مجلس فشار می آورد تا در نهایت افرادی که پزشکیان به دنبال حضور آنها در کابینه بود در نهایت وارد کابینه شوند. اغلب نمایندگان مجلس باید در شهرستان ها با پاسخگویی عملکرد خود باشند و در شرایطی که در مقابل پزشکیان می ایستاند جایگاه آنها در منطقه مورد نظر متزلزل می شد. نکته مهم دیگر اینکه برخی به دنبال این هستند که مردم را نسبت به انتخابات بدبین کند. در واقع به دنبال این هستند که به مردم این نکتة را القا کنند که مردم حق انتخاب سرنوشت خود را ندارند. این در حالی است ما نباید اجازه ای بدهیم و همچنان باید از نهاد انتخابات حمایت کنیم.

نگره

پیامدهای هم صدایی ایران و چین برای آمریکا

اسرائیل و واشنگتن در دام آژدهای زرد

یکی از اهداف دولت بایدن کم رنگ کردن حضور ایالات متحده در خاورمیانه بر تمرکز بر فعل و انفعال های چین است؛ گزاره ای که به عنوان یکی از اولویت های ژئوپلیتیکی ایالات متحده قلمداد می شود. با این همه شواهد نشان می دهد که خروج و یا حضور کم رنگ آمریکا در خاورمیانه دشوارتر از حد تصور است. در شرایطی که وقوع جنگ منطقه ای خودنمایی می کند، پس لرزه های رقابت های جهانی چین و آمریکا نیز به تنش های ماریجی خاورمیانه اضافه شده است.

پیام واشنگتن، پاسخ تهران
بلومبرگ مدعی است، در کنار چرخش آمریکا به شرق آسیا که محاسبات استراتژیک ایران را تحت تأثیر قرار داده، واکنش پکن به رویکرد آمریکا در جریان رقابت ها زمینه را برای نزدیکی ایران و چین هموارتر کرده است. به ادعای این نشریه این دو تحول مهم خاورمیانه را بی ثبات و مستعد درگیری کرده است. بلومبرگ مدعی است، موضع گیری عربان واشنگتن مبنی بر اینکه چین اولویت استراتژیک آمریکا است، به احتمال زیاد ایران را متقاعد کرده که ایالات متحده امروز تمایلی برای ورود به رویارویی نظامی مستقیم ندارد، چرا که می تواند ایالات متحده را در میدان دوم به چالش کشیده و این کشور را مجبور کند تا توجه و منابع را از چین منحرف نماید. حاصل مستقیم محاسبات استراتژیک جدید ایران، مسلح بالاتری از تحمل ریسک است. از آنجا که تشدید رقابت چین و آمریکا آزادی واشنگتن برای مانور در خاورمیانه را محدود می کند، ایران بر این باور است که می تواند بدون لحاظ کردن رویکرد ایالات متحده، پاسخی تندتر به اسرائیل بدهد. بلومبرگ در ادامه یادداشت ادعایی اش آورد که فعل و انفعال های محور مقاومت و متحدان ایران بعد از حمله هفتم اکتبر حماس به مواضع ایالات متحده نشان از آن دارد که تهران و متحدانش این باور را دارند که آمریکا خود را از هرگونه رویارویی پرهزینه حتی زمانی که پای متحدش یعنی اسرائیل در میان باشد، دور نگاه می دارد.

نتایج هم صدایی جبهه شرق برای ایران

به ادعای این نشریه افزایش حمایت اقتصادی و دیپلماتیک چین از ایران، تهران را در موضع قدرت قرار داده است. در مارس ۲۰۲۱، پکن تهران قرارداد همکاری اقتصادی به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار برای مدت ۲۵ سال امضا کرد. در شرایط کنونی چین به بزرگ ترین خریدار نفت ایران تبدیل شده است. این در حالی است که با آمد و شده های بی در بی مقامات ارشد دفاعی و مانورهای مشترک نزدیک ایران در سال های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳، همکاری نظامی چین و ایران به سطح جدیدی رسیده است. از منظر دیپلماتیک، چین با روسیه برای حراست از ایران در برابر تحریم ها در شورای امنیت سازمان ملل متحد همکاری نزدیکی داشته اند. شراکت راهبردی چین و روسیه که با حمایت اقتصادی پکن از مسکو از آغاز جنگ اوکراین به طور قابل توجهی تقویت شده، عملا به یکی از موانع اصلی در مسیر مهار پیشرفت برنامه هسته ای ایران تبدیل شده است، چرا که این بار محور شرق یعنی روسیه و چین به بلوک غرب اجازه نمی دهند تا ایران از تحت فشار مفاد قطعنامه های اعلامی شان قرار دهند. به نظر می رسد تاکنون، چین از آشفتگی خاورمیانه سود قابل توجهی به دست آورده است. واشنگتن مجبور شده توجه و منابع عظیمی را به منطقه اختصاص دهد. در ماه آوریل، نگره اجازه ارسال کمک های ۱۵ میلیارد دلاری نظامی به تل آویو را صادر کرد. پنتاگون از اکتبر گذشته ناو هواپیمابر را به منطقه اعزام کرده است، در حالی که جهت محافظت از کشتی ها در دریای سرخ در برابر حملات انصار... نیروی دریایی نیروی قابل توجهی مستقر کرده و یک میلیارد دلار مهمات پیشرفته را برای ختنی کردن پهپادها و موشک ها صرف کرده است. در این میان، مقامات ارشد آمریکایی برای جلوگیری از گسترش درگیری، فعل و انفعال های دیپلماتیک در سطح وسیعی را آغاز کرده اند. در کنار صرف هزینه مادی، گزاره هایی چون تمرکز استراتژیک بر خاورمیانه به جای شرق آسیا و همچنین فرسایش اعتبار غرب در جنوب جهانی به مهم ترین دستاوردهای پکن تبدیل شده است. بلومبرگ آورده، از آنجا که جنوب جهانی به صحنه حیاتی رقابت چین و آمریکا تبدیل شده است، کاهش اقتدار اخلاقی واشنگتن در ارتباط با تحولات خاورمیانه احتمالا به پکن کمک خواهد کرد تا کشورهای در حال توسعه را برای مهار قدرت و همزونی ایالات متحده با خود هم صدا کند. بدیهی است که هرچه بحران های حاکم بیشتر تمرکز ایالات متحده را از شرق آسیا دور کند؛ وضعیت چین بهتر خواهد شد. مطلوب ترین وضعیت برای چین، تنش های مداوم و بدون جنگ منطقه ای است. تشدید تنش شدید که عرضه و صادرات نفت چین را مختل می کند، جذابیتی کمتری دارد.